

خراسان شمالی	روزنامه خراسان شمالی: گروه چهارم نشریات روزنامه‌سازی اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی خراسان شمالی شنبه ۶ دی ۱۳۹۹ ۱۱ جمادی الاول ۱۴۴۲ شماره ۳۴۵۲	صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان مدیر مسئول: محمد سعید ابدیان سر دبیر: علی ولیزاده دفتر مرکزی: مشهد، بلوارشهید صافی(سازمان آب) پلاک ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ:چاپ‌خراسان	صندوق پستی: ۹۱۳۲۵-۵۱۱ تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۲۰۰۰ نمابر:۳۷۶۳۲۹۵-۰۵۱ پست: ۳۷۶۳۲۹۵-۰۵۱ دفتر مرکزی پذیرش آگهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵	آدرس: بجنورد، خیابان طالقانی غربی، خیابان سید به لیا، صدبه لیا۶، کوچه دوم، پلاک ۹ تلفن اشتراک: ۰۷۱-۳۲۲۴۰ کد پستی: ۹۲۱۵۸۵۶۵۱۶ دفتر مرکزی پذیرش آگهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵	تحریریه: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۴۲۲۱۱ نمابر: ۳۲۲۴۷۲۲۲ مسئول تحریریه: ۰۲۸-۳۲۲۳۰۰ تلفن و نمابر سرپرست: ۳۲۲۳۰۰۱۴	حوادث
---------------------	--	--	---	---	---	--------------

عبرت

سرانجام عجله خانواده برای عروسی دختر نوجوان

صدیقی- زندگی مشترک یک زوج بعد از گذشت یک ماه به بن بست رسید و سر از دادگاه خانواده درآوردند. بنا بر اظهارات دختر نوجوان روستایی که به گفته خودش هنوز یک ماه از نامزدی اش نگذشته، ماجرا از این قرار است که خانواده وی برای عروسی شدنش عجله داشتند!

پدر دختر وقتی می بیند دختران روستایی یک به یک در سنین پایین به عقد مردانی از یک استان همچوار درمی آیند تصمیم می گیرد دخترش را به عقدیکی از خواستگاران غریبه درآورد. خانواده دختر وقتی می بینند دختران هم ولایتی شان در زندگی مشترک خود مشکلی ندارند و خواستگار دخترشان هم از آن طایفه است بدون انجام تحقیقات لازم و کافی و بدون در نظر گرفتن شرایط خواستگار و همچنین سن دخترشان خیلی زود جواب بله را به خانواده پسر می دهند.

دختر که هنوز ۱۵ سال بیشتر ندارد به اصرار خانواده به عقد پسری درمی آید که اصلا از او شناختی ندارد. داماد جوان که شغل و درآمد ثابتی ندارد و هر از گاهی کارگری می کند از همان ابتدا اخلاق و باطنش را نشان می دهد.

دختر جوان ابتدا فکر می کند نامزدش به خاطر خستگی زیاد به ظاهر و نطافت توجه نمی کند اما رفته رفته زمانی که می بیند حتی در روزهایی که نامزدش سر کار نیست باز لباسش چرکین و موهایش ژولیده است، به رفتارهای او شک می کند. هر چقدر دختر نوجوان از نامزدش می خواهد به ظاهر و نطافت لباسش توجه کند، بی فایده است و بعد از کمی پرس و جو از سایر هم ولایتی های همسرش می فهمد که نامزدش به تنهایی قادر به انجام کارهایش نیست و باید یکی کمک اش کند. وقتی موضوع را با خانواده شوهرش در میان می گذارد آن ها هم آب پاکی را روی دست عروس شان می ریزند و در جواب او می گویند کاری از دست شان برنی آید و او باید خودش جور نامزدش را بکشد.

دختر جوان می گوید: بعد از این که بدون انجام تحقیقات کافی به عقد نامزدم درآمدم متوجه شدم که شوهرم طبیعی رفتار نمی کند و مثل یک بچه مدام باید به او بگویم که چه کار کند و چه کار نکند. تازه آن موقع بود که متوجه شدم چه کلاهی سرم رفته و حتی خانواده شوهرم هم گفتند که انتخاب خودم بوده است و باید جورش را بکشم. بعد از این اتفاق به دادگاه خانواده آمدم تا تکلیف ام را با خانواده شوهرم روشن وهنوز دیر نشده فکری به حال آینده ام کنم. البته خودم و خانواده ام اشتباه کردیم که فقط به گفته مردم بسنده کردیم و این گونه گرفتار شدیم.

جاده مرگ؛ ۱۷ حادثه دیده در تصادف اتوبوس با پاترول



بیمارستان های بجنورد و مانه و سملقان منتقل شدند. بنا بر نظر کارشناسان پلیس راه علت این حادثه توجه نکردن به جلو از سوی راننده اتوبوس بوده است. حادثه خیزترین محور جاده ای خراسان شمالی طی سال های گذشته بارها شاهد بروز تصادف رخ به رخ اتوبوس مسافران شمال کشور با دیگر خودروها بوده است که مرگبارترین آن در سال ۹۲ باعث جان باختن ۹ نفر شد. پروژه ۴ خطه کردن این محور از سال ۱۳۸۷ آغاز شد اما هم اکنون با وجود وعده های متعدد مسئولان کشوری و استانی از جمله رئیس جمهور ۸۷ کیلومتر از این محور ۱۴۲ کیلومتری ۴ خطه شده است. طبق آخرین وعده رئیس جمهور در سفر به استان، این پروژه باید تا سال آینده تکمیل شود اما طی امسال حتی یک وچب از آن بهره برداری نشده است.

ماجرای زنی که با بیهوش کردن همراهان بیمار سرقتمی کرد

۱۵ سرقت مشابه در محوطه بیمارستان ها

سرقتم کردند از سر ناچاری بود. شوهرم دچار یک بیماری دو قطبی شده بود و سر این ماجرا خیلی اعصابم به هم ریخت. البته بیشتر علت سرقتم کردندم به خاطر بدهی بود که داشتم. در واقع پول بهره ای گرفته بودم و سر این قضیه خیلی تحت فشار بودم و مرتکب اشتباه بزرگ تری شدم.

خودت قرص اعصاب و روان مصرف می کردی؟

بعد از این که به اتفاق خانواده برای پیشرفت در تئاتر به تهران مهاجرت کردیم بعد از چند سال زندگی در آن جا همسرم دچار یک بیماری دوقطبی شد که به بستری شدن در بیمارستان و درمان نیاز داشت.

به خاطر مشکلاتی که پیش آمده بود و مرضی شوهرم دچار مشکل روحی و روانی شدم برای همین زمانی که خوابم نمی برد شربت خواب آور قوی مصرف می کردم.

بعضی از اوقات تا ۲۴ ساعت می خوابیدم چون دارو خیلی قوی بود. البته به غیر از مشکلات شوهرم کلاهیرداری از ما هم باعث این اتفاق شد. زمانی که با هزار بدبختی در حاشیه شهر یک قطعه زمین خریدیم تا بعدها یک سرپناه برای خودمان بسازیم فهمیدیم که زمین متعلق به یک نفر دیگر است و فروشنده کلاه سرمان گذاشته و فراری است.

صدیقی- با بیهوش کردن طعمه هایش در محوطه بیمارستان ها اموال آن ها را به سرقتم می برد. می خواست با پول های سرقتمی از یک طرف بدهی اش را صاف کند و از طرفی با کمک به نیازمندان، آبرو و اعتباری به دست آورد اما خبر نداشت که پول دزدی او را بی آبرو و بی اعتبار خواهد کرد. می گوید توبه کرده است و شانس آورده که طعمه هایش به خاطر داروی بیهوشی فوت نکرده اند و گرنه باید در دادگاه به جای متهم به سرقتم به عنوان متهم به قتل حاضر می شد. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با زن سارق زندانی ۴۷ ساله می خوانید.

به جرم سرقتم همدم میله های زندان شدم.

متاهلی و سواد داری؟

متاهلم و ۲ فرزند دارم و تا مقطع دبلم درس خواندم.

اعتیاد و سابقه کیفی چطور؟

اعتیاد ندارم اما سابقه دار هستم.

شغل ات چه بود؟

خانه دار بودم. بازیگری را خیلی دوست داشتم. از طریق یکی از دوستانم چون استعداد داشتم وارد کار تئاتر شدم اما چون در شهرستان زیاد کار نبود و از طرفی کرونا شروع شد و کارمان به کساد ی خورد، مجبور شدیم مهاجرت کنیم.

کتم. بعد از گذشت مدتی از صحبت های مان بطری شربت را از کیف ام در می آوردم، اول خودم

با لیوان تمیز می خوردم و بعد از آن شربت را داخل لیوان آغشته به داروی بیهوشی می ریختم و به زن غریبه تعارف می کردم. ابتدا بیشتر مال باختگان قبول نمی کردند که شربت را بخورند و وقتی با اصرار من مواجه می شدند و از طرفی می دیدند که خودم از آن استفاده می کنم، با گفتن این جمله که «بخورید کرونا ندارد، شربت خانگی است» آن ها در رودربایستی قرار می گرفتند و لیوان را اسر می کشیدند.

بعد از چند دقیقه داروی خواب آور تاثیرش را می گذاشت و مال باخته به خواب می رفت. بعد از آن سریع مقداری از طلاهایش را برمی داشتم و از بیمارستان خارج می شدم. البته مدام در خیال واهی به خودم می گفتم اگرمقداری از پول های سرقتمی را خرج نیازمندان کنم از یک طرف بار گناهانم کم و از طرفی دیگر درآمدم چند برابر می شود!

فقط از همراهان بیماران سرقتم می کردی؟

بعضی از اوقات از خود مریض هایی که از بیمارستان مرخص می شدند و داخل محوطه منتظر همراه خود بودند هم سرقتم می کردم.

روزی یک خانم را داخل حیاط بیمارستان دیدم که منتظر دخترش بود که برای خرید دارو رفته بود. وقتی به او نزدیک شدم بعد از کمی خوش و بش با شربت آلوده به داروی خواب آور او را بیهوش و با برداشتن کیف پولش از محل فرار کردم. البته بابت این کار خیلی عذاب وجدان گرفتم چون مال باخته دچار بیماری خاصی بود و به پولش احتیاج داشت.

نمی ترسیدی بابت دادن داروی بیهوشی بلایی سر مال باختگان بیاید؟

آن موقع اصلاً مغزم کار نمی کرد و فقط به فکر جور کردن پول بودم تا بدهی سنگین ام را بپردازم. بعد از این که دستگیر شدم متوجه شدم که مال باختگان خیلی بابت این موضوع شوکه و دچار مشکل روحی و روانی شده اند. روزی شوهر یکی از مال باختگان وقتی زنش را بیهوش روی نیمکت در محوطه بیمارستان می بیند به خیال این که بر اثر کرونا بیهوش شده خیلی به هم می ریزد. بعد از این که روز بعد زنش را از بیمارستان مرخص می کند تازه در خانه متوجه ناپدید شدن طلاهایش می شود و بعد از آن می فهمد که بیهوشی همسرش بابت سرقتم بوده و ربطی به کرونا نداشته است.

طلاهای سرقتمی را چه کار می کردی؟

آن ها را به نصف قیمت به یک مالخر می فروختم و پولش را صرف پرداخت بدهی هایم می کردم. اصلاً پول دزدی برکت نداشت و مدام مشکل روی مشکل برایم پیش می آمد. شوهرم و ۲ فرزندم اصلاً از موضوع سرقتم هایم خبر نداشتند. آن ها به خیال این که سر کار می روم خوشحال بودندو خبر نداشتند که آن ها را هم فریب می دهم.

چطور شد دستگیر شدی؟

چون می دانستم بعد از سرقتم از مال باختگان از من شکایت می کنند مدتی پنهان می شدم و برای سرقتم بعدی به یک بیمارستان دیگر می رفتم. این بازی خطرناک مدتی ادامه داشت تا این که بعد از سرقتم از حدود ۱۵ مال باخته در محوطه بیمارستان ها روزی که برای ملاقات یکی از افراد قایمیل به بیمارستان رفته بودم، شناسایی و دستگیر شدم.

سرو چوب

مجری تمام ایده های چوبی شما

کابینت چوبی،
آلاچیق چوبی،
اجرای نرده چوبی،
راه پله دوبلکس چوبی،
مبل و نهارخوری استیل،
پارکت و دیوار کوب چوبی،
دریهای تمام چوب و پرسی،
سرویس خواب و...

مدیریت جعفر سروی

۰۹۱۵ ۱۸۹ ۵۷۰۰

بجنورد - روبه روی رستوران اکبر جوجبه - ۱۰۰ متر داخل جاده پنگه قلعه

ششم دی ماه
روز دفاتر اسناد رسمی

کاتبان عالی

ششم دی ماه
روز دفاتر اسناد رسمی

را به کلیه سردفتران و دفترياران استان خراسان شمالی تبریک عرض می نماییم.

روابط عمومی کانون سردفتران و دفترياران استان خراسان شمالی

۰۵۱-۳۲۲۴۰۰۰